

رهیافتی به منظومه فکری مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

در حوزه پاسخگویی به سؤالات و شبهات (۷)

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه های علمیه *

مقدمه

پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات اساسی و عمده‌ای که در ذهن افراد جامعه، شکل می‌گیرد یا به ذهن آنان القا می‌شود، کاری دقیق و حساس بوده و سازوکار خاص خود را می‌طلبد.

یکی از عمده‌ترین راهبردهای پاسخ‌دهی، شناسایی و رصد شبهه پیش از طرح و گسترش عمومی آن است و لازم که جهت تحقق این امر، متولیان فرهنگی کشور، مراکز رصد و پاسخ‌گویی توانمند و مجهزی را هم از نظر نرم‌افزاری و هم از نظر سخت‌افزاری مهیا و تجهیز نمایند تا از عهده این امر برآیند.

مقام معظم رهبری با توجه و اشراف به شرایط و توانمندی‌های علمی و اجرایی نهادهای علمی و فرهنگی کشور، همواره رهنمودها، دستورالعمل‌ها و راهکارهایی را در راستای پاسخ‌گویی بیان فرموده‌اند که بخشی از این فرمایشات در شماره‌های پیشین ارائه گردید.

در این بخش ابتدا راهبردهای اساسی در رفع شبهات و پاسخ‌گویی به سؤالات از منظر ایشان مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس به نقش و رسالت متولیان پاسخ‌گویی (حوزه و دانشگاه) اشاره خواهد شد.



راهنمای اساسی در رفع شبهات و پاسخ‌گویی به سؤالات

۱. شناسایی شبهات، پیش از طرح عمومی و آماده‌سازی و نشر پاسخ‌های قوی

کار در این زمینه [برخورد با شبهات] هم، برای حوزه‌ها لازم است؛ باید فکر اسلامی را تولید کنند؛ باید پاسخ دهند به شبهاتی که هنوز مطرح نشده! ما نباید منتظر باشیم که شبهات را مطرح کنند، آن‌گاه بنا به جواب‌دادن بگذاریم؛ باید افرادی، این توانایی را داشته باشند که شبهات را قبل از ورود به حوزه‌های فکری و ذهنی، جست‌وجو کنند؛ آن‌را در خاستگاه‌های آن، جست‌وجو کنند. غالب شبهاتی که افرادی که خودشان را روشن‌فکر قلمداد می‌کنند، مطرح می‌کنند، ... خاستگاه‌های بیگانه و غربی دارد... گاه پنجاه یا صد سال، از اعتبار آن‌ها گذشته!... فضایی ما، باید خاستگاه شبهات را پیدا کنند؛ خودشان را آماده و مجهز کنند که قبل از ورود شبهه، ذهن‌ها را مصونیت ببخشند؛^[۱]

ما در برابر شبهات، نباید همیشه به صورت تدافعی عمل کنیم؛ ننشینیم تا شبهه‌ای بیاید، حتی یک مقدار هم، از آمدن شبهه، دیر خبردار بشویم [تا] خوب، جاگیر بشود؛... بعد آن‌ها، زبان باز کنند؛... بعد ما، تازه به فکر بیفتیم این شبهه را بر طرف کنیم!... باید زمینه‌های ایجاد شبهه را شناخت. ما مبانی بسیار قوی و قویمی در اختیار داریم؛ کلام ما، خیلی قوی است؛ فلسفه‌ی ما، بسیار والاست؛ در فقه ما، ژرفاهای بسیار عجیبی هست که در جاهای دیگر، دیده نمی‌شود. ما به استقبال حرف برویم؛ به استقبال شبهه برویم.^[۲]

۲. تمرکز بر روی اولویت‌ها در امر پاسخ‌گویی

خواهش من از شما آقایان، ... این است که حقیقتاً به این ابعاد و جنبه‌های زندگی اجتماعی شهر و کشور خود بپردازید و هر چه را کم است، جبران کنید. البته ما، روحانی و اهل تبلیغ و بیان هستیم و اگر بخواهیم درباره‌ی هر بخشی از بخش‌های مسائل دینی، چیزی بیان کنیم، می‌توانیم؛ مثلاً بگوییم: «بیایید ساده‌زیستی داشته باشیم!» اما کدام یک از این حرف‌ها، الآن ضروری و موردنیاز است؟ کدام یک خدای

نکرده، در جهت مقابل، حرکت کرده است؟ ما باید این‌ها را بدانیم و به حل مشکلات دینی و معنوی و عقده‌های ذهنی مردم بپردازیم.^[۳]

۳. ابهام‌زدایی از جامعه و بی‌پاسخ نگذاشتن شبهات

پیامبر اکرم نظامی را به‌وجود آورد که خطوط اصلی آن چند چیز بود. من درمیان این خطوط اصلی، چهار چیز را عمده یافتیم: اول، معرفت شفاف و بی‌ابهام؛ معرفت نسبت به دین، معرفت نسبت به احکام، معرفت نسبت به جامعه، معرفت نسبت به تکلیف، معرفت نسبت به خدا، معرفت نسبت به پیامبر، معرفت نسبت به طبیعت. همین معرفت بود که به علم و علم‌اندوزی منتهی شد و جامعه اسلامی را در قرن چهارم هجری به اوج تمدن علمی رساند. پیامبر نمی‌گذاشت ابهام باشد. در این زمینه، آیات عجیبی از قرآن هست که مجال نیست الان عرض کنم. در هر جایی که ابهامی به‌وجود می‌آمد، یک آیه نازل می‌شد تا ابهام را برطرف کند...^[۴]

در آن‌جا که برای مردم ابهامی هست، آن‌جا که دشمن سؤالاتی را مطرح می‌کند؛ بذر تردیدی می‌کارد و در جامعه می‌پاشد، آن‌جا وظیفه شماسست که این بذر تردید را از بیخ و بن در بیاورید و حقایق را روشن کنید.^[۵]

۴. استفاده از کلیه ابزارهای فرهنگی برای شبهه‌زدایی و پاسخ‌گویی

امروز دشمن از همه روش‌ها استفاده می‌کند. من دیروز در جمع جوان‌ها می‌گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و به‌خصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روش‌های تخریبی و از روش‌های روان‌شناسانه و غیره استفاده می‌کنند. همه این‌ها پاسخ دارد؛ پاسخ‌هایش هم مشکل نیست؛ بایستی از این وسایل استفاده کرد. باید از آن‌چه که در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صدا و سیمایمان، نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابع عظیم عمومی‌مان، چنان که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم.^[۶]

امروز، وظایف حوزه‌های علمیه، با گذشته، تفاوت‌های زیادی کرده است؛... امروز، شما ببینید وسایل تبلیغ در دنیا، چقدر متنوع شده؛ این طرف دنیا، یک نفر جوان، پای





یک دستگاه کوچک می‌نشیند و افکار، تصورات، تخیلات، پیشنهادهای فکری و پیشنهادهای عملی را از سوی هر کسی - بلکه هر ناکسی - از آن طرف دنیا، دریافت می‌کند!... میدان افکار مردم و مؤمنین، عرصه‌ی کارزار تفکرات گوناگون است. آن‌ها، ضلالت را چگونه منتشر می‌کنند؟ از همان راه، هدایت را باید منتشر کرد! همان‌جوری که آن جاهل یا مغرض، ... وارد میدان شده است، ... همین‌طور بایستی اهل علم و اهل دین، وارد بشوند و معارف اصیل را، معارف ناب را، غلط بودن آن فکر را بیان کنند.^[۷]

۵. به‌روزرسانی و بهینه‌سازی شیوه‌ها و قالب‌های پاسخ‌گویی

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آن‌ها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به‌همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید.^[۸]

امروز شما برای این‌که اسلام را، دین را، حقیقت را، صراط مستقیم را، هم به مردم نشان بدهید، هم مردم را در این صراط به راه بیندازید، با مشکلات بزرگی رو به رو هستید. باید با زمان، خودمان را تطبیق دهیم. شبهه‌ها از قبیل شبهه‌های صد سال و دویست سال قبل نیست. شبهه‌هایی که در ذهن جوان شما، دانشجوی شما، حتی دانش‌آموز شما القاء می‌کنند، شبهه‌هایی از جنس روز است. در مقابل این کی می‌خواهد بایستد؟^[۹]

۶. رویکرد تهاجمی در برخورد با شبهات وارداتی

یک وقت هست که زورگویان بین‌المللی می‌آیند و می‌گویند که آقا شما فلان کار را کرده‌اید و ما رفع و رجوع می‌کنیم و نه والله، نه بالله؛ ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین‌المللی، نقاط ضعف زیادی دارند: جنایت می‌کنند، فساد می‌کنند، به حقوق



بشر تجاوز می کنند، به حقوق ملت ها تعدی می کنند، انسان ها را لگدمال می کنند و همه کارهای زشت را انجام می دهند؛ آخر هم طلبگار همه اند! خب، نقاط ضعف شان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبگاری، گفته و بیان بشود. این جور نیست که ما برای تهاجمات سیاسی بین المللی، بخواهیم پاسخ پیدا کنیم. یک وقتی از بنده - سال های اوایل - می پرسیدند که آقا، شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ می گفتم ما جواب نداریم؛ ما ادعا داریم و مدعی این ها هستیم؛ در قضیه زن مدعی هستیم؛ در قضیه حقوق بشر مدعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسان ها مدعی هستیم. ما مدعی این ها هستیم؛ ما در مقام پاسخ گویی نیستیم. چرا باید سؤال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آن ها بی جا می کنند سؤال و ادعا می کنند. این روحیه، روحیه خوبی است؛ روحیه انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان می کند.^[۱۰]

۷. فراگیرسازی پاسخ

هنوز که هنوز است، در دنیای اسلام به ما می گویند: شما قایل به تحریف قرآنید! چرا که یک روز فصل الخطابی نوشته شد و ما هنوز نتوانسته ایم آن قدر فضای فرهنگی دنیای اسلام را از حرف حق خودمان و این که قایل به تحریف قرآن نیستیم، اشباع کنیم تا اگر بی دین لامذهبی خواست بنویسد که شیعه قایل به تحریف قرآن است، بداند که فردا شاگرد سر کلاسش در الازهر، یقه اش را خواهد گرفت که این کتاب شیعه پاسخ شما را داده است.^[۱۱]

۸. بهره گیری از مناسبت ها و فرصت های اثرگذاری بر مخاطب

مهم این است که مطلبی که شما می گوئید، برطرف کننده شبهه باشد و آن را زیاد نکند.

بعضی از افراد، بدون توجه به این مسئولیت مهم، به بالای منبر می روند و حرفی می زنند که نه فقط گره ای از ذهن مستمع باز نمی کند که گره هایی هم به ذهن او می افزاید. اگر چنین اتفاقی افتاد و ما در بالای منبر حرفی زدیم که ده نفر جوان، پنج نفر جوان، یا حتی یک نفر جوان، در امر دین دچار تردید شد و بعد از پای سخنرانی ما



برخاست و رفت و ما هم او را نشناختیم، بعداً چگونه می‌شود جبران کرد؟ آیا اصلاً قابل جبران است؟ آیا خدا از ما خواهد گذشت؟ قضیه مشکل است.^[۱۲]

این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعا گل سرسبد جماعتی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبان‌ها بیاید و احیاناً بعضی بر زبان‌ها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخ‌ها را به صورت جزوه، کتاب، انسان آماده به حرف، و تماس‌هایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.^[۱۳]

۹. پرهیز از اهانت به اعتقادات دیگران و حفظ احترام پیروان دیگر عقاید

ما به همه می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه عقیده‌یی بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست.^[۱۴]

شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلاف‌شان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم‌سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امت اسلامی وجود دارد، یکی از میدان‌های مجاهدت ماست که باید در آن تلاش کنیم.^[۱۵]

عزیزان من! همه شما مراقب باشید. تا غفلی صورت می‌گیرد، ناگهان می‌بینیم در یک طرف جنجال‌های فرقه‌ای برپا می‌شود: این علیه آن، آن علیه این، با شیوه‌های زبوانه و پست و اهانت به مقدساتِ همدیگر، به‌رغم این همه تأکید، این همه گفتن و این همه مراقبت. پیداست که دشمن در این زمینه‌ها خیلی فعال است. زمینه هم یک زمینه قلبی و فکری و عقیدتی است. باید مراقب بود و شما باید که باید مراقب باشید. شما که علمای امت و مرشدان ملتید، باید مراقب باشید.^[۱۶]

متولیان پاسخ‌گویی

۱. متولی اصلی: حوزه‌های علمیه

غیر از علمای دین، غیر از مرزداران عقیده چه کسی باید در مقابل این تیرهای مسموم و زهرآگین بایستد و قرار بگیرد؟^[۱۷]

تأمین این افراد به عهده حوزه‌های علمیه است. البته کسانی که در غیر حوزه‌ها هستند، ممکن است بتوانند این کار را انجام دهند؛ لیکن متصدی اصلی، انصافاً حوزه‌های علمیه و علمای دینند. این‌ها اولین کسانی هستند که باید شبهه‌ها را برطرف کنند.

... حوزه علمیه باید مثل یک کارخانه تأمین‌کننده نیازهای جامعه، مرتّب کار کند و محصول خود را که همان محققان و مبلغان و مدرّسان و مؤلفان و انواع قشرهای روحانی هستند، بیرون دهد. حوزه باید برنامه‌ریزی کند و مشخص باشد که مثلاً پنج سال دیگر چه تعداد مبلغ مناسب برای مناطق گوناگون دنیا و داخل کشور تربیت می‌شود. همچنین در زمینه مسائل قرآنی و تفسیر و دیگر علوم حوزوی و نیز تربیت مدرّس برای دانشگاه‌ها و دروس معارف اسلامی و نیز تربیت محقق و مؤلف برای پاسخ‌گویی و مقابله با شبهات، برنامه‌ریزی منظم و مرتّبی داشته باشد.^[۱۸]

علاوه بر این‌ها که نظام اسلامی برای اداره ملت و کشور نیازمند به حوزه‌هاست، یک نکته دیگر هم وجود دارد و آن این است که امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود - به‌خصوص در میان جوانان - هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهن‌ها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه - که به‌وسیله علمای دین انجام می‌گیرد - این هم یک پشتیبانی دیگر، یک پشتوانه دیگر برای نظام اسلامی است. پس نظام اسلامی از





جهات مختلف متکی به علمای دین و نظریه‌پردازان و محققان و دانشمندان حوزه‌های علمیه است.^[۱۹]

نکته سوم، تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهام‌های نسل جوان است؛ که این عمده‌تاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبهه‌القائه می‌کنند؛ باید به طور دائم و به‌روز پاسخ شبهه‌ها را داد.^[۲۰]

حالا می‌خواهم این را عرض کنم که حوزه علمیه در این فضای جدید، می‌خواهد چه کار کند؟ یک وقت است که انسان با فضیلتی - صاحب صلاحیتی - که احساس مسئولیت می‌کند، قلم به دست می‌گیرد؛ او ممکن است بنویسد؛ ممکن است ننویسد. اگر نوشت، خدا خیرش دهد؛ اگر هم ننوشت، تصادف است دیگر، ننوشته است. یک وقت ما او را به صدفه محوّل می‌کنیم؛ این اطرافش خیلی احتمال ضرر است. یک وقت نه؛ می‌نشینیم و برنامه‌ریزی می‌کنیم.

یکی از موارد سیاست‌گذاری همین است؛ سیاست‌گذاری کنید؛ صد نفر طلبه فاضل را انتخاب کنید؛ به این‌ها شهریه‌های معین بدهید - مکتوب المؤمنه کنید؛ قرار داد ببندید - همین روزنامه‌هایی را که گفتید، آن‌چه را که مربوط به مبانی فکری است، در اختیارشان بگذارند؛ چه آن‌چه به اصل نظام برمی‌گردد - چون نظام، اسلامی است - چه آن‌چه مستقیماً با نظام ارتباط ندارد؛ بلکه با دین ارتباط دارد - به مسائل تشیع و به مسائل اصل اسلام، ارتباط پیدا می‌کند و در آن مسائل فلسفی مطرح است - این‌ها را ببینند و برنامه‌ریزی شده کار کنند.^[۲۱]

امروز، مهم‌ترین آماج تهاجم دشمنان، ایمان مذهبی مردم است؛ چون تا وقتی ایمان مذهبی جوانان و این مردم و این زن و مرد، وجود دارد و مستحکم است، نفوذ دشمن در پایه‌های این نظام، ممکن نیست؛ لذا می‌خواهند این ایمان را - که در حقیقت، حصار منیع این نظام است - از بین ببرند. حفظ این ایمان، یکی از بزرگ‌ترین وظایف است؛ این، از عهده‌ی چه کسی برمی‌آید؟ بیش از همه، از عهده‌ی روحانیون برمی‌آید؛ البته من نمی‌خواهم ادّعا کنم که فقط روحانیون می‌توانند این کار را بکنند؛ ... درعین حال، این وظیفه، در درجه اول، متوجه من و شماست.^[۲۲]

۲. مراکز معین: دانشگاهها و مراکز فرهنگی

از شورای محترم انقلاب فرهنگی و به‌ویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده [راه‌اندازی کرسی‌های پاسخ به سوالات و شبهات] را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای این کار بزرگ به‌تدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند. بی‌شک هر دو نهاد از طرح‌های پیشنهادی فضلاء دانشگاهی و حوزوی و از جمله طرح شما، استفاده خواهند کرد تا با رعایت همه جوانب مسأله، جنبش «پاسخ به سؤالات»، «مناظرات علمی» و «نظریه‌پردازی روشمند» را در کلیه قلمروهای علمی حوزه و دانشگاه، نهادینه و تشویق کنند. امیدوارم که مراحل اجراء این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد. والله المستعان.^[۲۳]

در مورد اصل لزوم این دفتر نمایندگی^[۲۴] هم، آن وقتی که ما به این کار اقدام کردیم، همه معتقد بودند که لازم است و درخواست زیادی بود؛ همین حالا هم همین‌طور است. البته بعضی‌ها هم به بنده مراجعه کردند و گفتند که این دفاتر لازم نیست. اگر در محیط دانشگاه‌ها، آن هدف اصلی از ایجاد این دفاتر -یعنی پرورش دینی و وجود یک مرکز مطمئن برای مراجعه‌ی دینی وجود می‌داشت، من این اقدام را نمی‌کردم و کار لازم نبود؛ لیکن چون نیست، وجود این برادران لازم است. این برادران در دانشگاه‌ها می‌توانند منشأ برکات بسیاری باشند. جوانان، سؤالات و نیازهای دینی دارند. چنان‌چه روحانی فاضل و جوانی مثل خودشان در کنار دست‌شان باشد، چیز خیلی بالارزشی است. من این‌طور تصور می‌کنم.^[۲۵]



نبرد فرهنگی را با مقابله‌ی به مثل می‌شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می‌گوییم، تا مسؤولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز - اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرستان، تا دانش‌آموزتان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند - احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شما هستید و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.^[۲۶]



پی‌نوشت‌ها

- [۱] بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۶/۱۹، به نقل از کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری.
- [۲] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۹/۶/۲۰، به نقل از کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری.
- [۳] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷.
- [۴] بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۰۲/۱۸.
- [۵] بیانات در دیدار نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
- [۶] بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷.
- [۷] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۹/۶/۲۰، به نقل از کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری.
- [۸] دیدار با روحانیون ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
- [۹] بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۳.
- [۱۰] دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.
- [۱۱] سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷.
- [۱۲] بیانات در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.
- [۱۳] بیانات در دیدار با اعضای بعثه حج، به همراه حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری، نماینده ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، ۱۳۷۰/۰۴/۲۳.
- [۱۴] سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از اқشار مختلف مردم شهرهای شاهرود، خلخال، بیرجند، قیدار، خمسه، تیران و چالوس، روحانیون و معاونان دفاتر عقیدتی، سیاسی نیروی زمینی ارتش و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان، ۱۳۶۸/۰۷/۱۹.



- [۱۵] بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹.
- [۱۶] بیانات در دیدار علما و فضلالی شیعه و سنی، ۱۳۸۱/۱۲/۰۴.
- [۱۷] بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۳.
- [۱۸] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۴/۰۶/۱۴.
- [۱۹] بیانات در اجتماع بزرگ طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
- [۲۰] بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
- [۲۱] بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۷۷/۷/۹.
- [۲۲] بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب و روحانیون اصفهان، ۱۳۸۸/۲/۲۳، به نقل از کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری.
- [۲۳] پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهش‌گران حوزه علمیه، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- [۲۴] دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.
- [۲۵] بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲.
- [۲۶] سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسؤولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر، ۱۳۶۹/۰۲/۱۲.

